**انترناسیونال ۴۶۹**

**درباره تشکیل کمیته آذربایجان حزب**

**مصاحبه با محسن ابراهیمی، دبیر کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران**

در شماره قبل انترناسیونال اطلاعیه تشکیل کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری منتشر گردید. محسن ابراهیمی بعنوان دبیر این کمیته انتخاب شده است که اطلاعیه آن را در صفحات این شماره می توانید ملاحظه کنید. با تبریک به محسن ابراهیمی مصاحبه ای با ایشان داریم و در مورد این کمیته، ضرورت تشکیل و اهداف آن می پرسیم.

**انترناسیونال:** در اطلاعیه تشکیل کمیته آذربایجان حزب، به شرایط سیاسی ویژه در آذربایجان اشاره شده است. لطفا در مورد این شرایط ویژه توضیح بیشتری بدهید.

**محسن ابراهیمی:** در آن اطلاعیه به دو فاکتور تاریخی و سیاسی اشاره شده است و بر اساس آنها استنتاج شده است که جدال طبقاتی در آذربایجان از شرایط ویژه ای برخوردار است. اگر معنا و مضمون همین دو فاکتور روشن شود میتوانیم از شرایط ویژه مورد نظر اطلاعیه تصویر روشنتری داشته باشیم. دو فاکتور مورد اشاره اینها هستند:

۱۔ سابقه دیرینه و فعال جنبش کارگری و کمونیستی در آذربایجان.

۲۔ وجود ستم ملی و تحرکات ناسیونالیسم ترک.

آذربایجان به خاطر هم مرزی با روسیه تاریخا از تحولات سیاسی آن کشور تاثیر فراوانی گرفته است. جمعیت عظیمی از کارگران آذربایجان مخصوصا در مقطع دو قرن نوزده و بیست به عنوان کارگر مهاجر در مراکز صنعتی آذربایجان روسیه، مشخصا در صنعت نفت باکو کار و زندگی میکردند؛ عملا بخشی از جنبش کارگری و کمونیستی آن مقطع را تشکیل میدادند؛ در فعل و انفعالات جنبش کارگری و کمونیستی آن منطقه از نزدیک درگیر بودند و فعالین کارگری و کمونیست این طیف مهاجر در انقلاب اکتبر که برای اولین بار طبقه کارگر را به قدرت رساند مستقیما درگیر بودند. در نتیجه این واقعیت تاریخی، فرهنگ و سنت سیاسی آزادیخواهانه و برابری طلبانه در جامعه آذربایجان اشاعه وسیعی داشته است. تعداد زیادی از رهبران چپ و کمونیست در آذربایجان از میان همین طیف برخاسته اند. اعضای حزب عدالت که در مقطع انقلاب اکتبر با تلاش کارگران ایرانی صنعت نفت باکو تشکیل شد، منظما در میان ایران و مشخصا آذربایجان و باکو در رفت و آمد بودند و نقش مهمی در شکل گیری جنبش کارگری در آذربایجان داشتند.

در فرصت دیگری میتوان و لازم است در باره جزئیات این موضوع و آثار سیاسی اش در ایران و مشخصا در آذربایجان مفصل تر صحبت کرد. در اینجا به این تصویر کلی بسنده میکنم که متعاقب همین زمینه تاریخی و مخصوصا با توجه به وسعت طبقه کارگر صنعتی در مراکز مهم شهری مثل تبریز، مبارزه رادیکال کارگری و حضور طیف رادیکال و سوسیالیست در این مبارزه یکی از مشخصه های برجسته در تنشهای سیاسی در آذربایجان بوده است. مشخصه ای که اگر تقویت شود بدون تردید در تحولات سیاسی آتی آذربایجان نقش مهمی ایفا خواهد کرد. یک دلیل مهم تشکیل کمیته آذربایجان حزب، دخالت فعال در سازمانیابی این گرایش است.

فاکتور دیگری که جدال طبقاتی در آذربایجان را ویژه میکند وجود ستم ملی و بر زمینه چنین ستمی تحرکات ناسیونالیسم است.

قبلا لازم است روی این تاکید کنم که آذربایجان به عنوان بخشی از جغرافیای سیاسی ایران که زیر سلطه حکومت اسلامی است مشمول همه مشکلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که مردم در سراسر ایران از آنها رنج میبرند. فقر گسترده کارگران و توده های وسیع زحمتکش، استبداد سیاسی، آزار و تحقیر سیستماتیک زنان، خفقان فرهنگی حاکم بر زندگی همه بخصوص جوانان، دست درازی قوانین اسلامی به همه جلوه های زندگی مردم همانقدر بر زندگی لحظه به لحظه مردم آذربایجان سنگینی میکنند که بر زندگی مردم در سایر نقاط ایران. و به این معنا مسئله و موضوع بلافاصله مبارزه در آذربایجان رها شدن از حکومت اسلامی است.

اما اکثریت مردم آذربایجان، علاوه بر همه مسائل مشترکشان با مناطق دیگر ایران، از ستم دیگری به نام ستم ملی هم رنج برده اند و میبرند. این ستم اساسا خود را در سرکوب دائم فرهنگی، در محرومیت از تحصیل و فعالیت فکری وفرهنگی و ادبی و هنری به زبان مادری نشان میدهد.

اگر چنین ستم ملی وجود نداشت روشن است که ناسیونالیسم ترک محلی از اعراب نداشت و روشن است که مبارزه و مقابله با این ناسیونالیسم هم جایگاهی جدی نداشت. اما در آذربایجان ناسیونالیسم ترک دقیقا با دست بردن به وجود چنین ستمی است که میدانی برای بازی سیاسی پیدا کرده است. میدانی که باید با تعرض متقابل ما در مقابل جریانات ناسیونالیستی و قوم پرست تنگتر و تنگتر شود. کمیته آذربایجان حزب با قدرت تمام به استقبال این جدال میرود. جدالی که برای پیروزی در آن حزب ما از امکانات و اهرمهای سیاسی و اجتماعی وسیعی برخوردار است.

وجه مهمی از نقطه قدرت ما فضای سیاسی بشدت انسانی در میان نیروهای اصلی دخیل در تحولات سیاسی در کل ایران و به تبع آن در آذربایجان است. این را شعارهای قیام ۸۸ نشان داد. این را اعتراض توده ای در آذربایجان علیه تحقیر و تحریک نژاد پرستانه روزنامه دولتی ایران در ۸۵ نشان داد. علیرغم اعتراض به تبعیض و تحقیر ملی، جنبش مردم آذربایجان به دام تحریکات بی شرمانه رسانه های قوم پرستان علیه "فارسها" نیفتاد و از تعرض به هدف اصلی یعنی خود حکومت اسلامی و نهادهای سرکوب حکومتی منحرف نشد. و البته زلزله منطقه قراداغ در آذربایجان، عظمت، قدرت و عمق انسانیت و انساندوستی و نوعدوستی توده های وسیع مردم از جمله در آذربایجان را نشان داد.

وجه دیگر نقطه قدرت ما شرایط مبارزه در کل جهان است. یک لحظه شرایط بعد از فروپاشی قطب شوروی در دو دهه پیش و لجنزاری که متعاقبا جریانهای ناسیونالیست بر جای گذاشتند را با مقطع کنونی مقایسه کنید. بشریت نمیتواند فراموش کند که چگونه یوگسلاوی سابق را همکیشان و همفکران همین ناسیونالیستهای ترک به جهنمی تبدیل کردند که زخمهایش تا نسلها باقی خواهد ماند. کسی یادش نرفته است که چگونه یک دهه بعدتر در عراق و افغانستان دمکراسی قومی ۔ قبلیه ای ۔ مذهبی براه انداختند که مهره های اصلیش شیوخ و رهبران مذهبی مرتجع، جنگسالاران آدمکش و روسای قبایل بودند. و در خود غرب هم، دولتها و محافل حاکم تحت نام نسبیت و مدارای فرهنگی دست مذهب را برای تعرض به زندگی مردم کاملا باز گذاشتند.

جهان "یکباره"عوض شد. موجی از میدان تحریر با شعار "آزادی و حرمت انسانی" بلند شد و تمام دنیا را صحنه خروش امواج انسانهایی کرد که با همین شعار دیکتاتور بعد از دیکتاتور را به پایین کشیدند. انقلاب کردن علیه ستم و نابرابری محبوب قلب اکثریت عظیم جهان شد. حتی جنبشهایی که مقابله با انقلاب فلسفه وجودیشان بود مجبور شدند از انقلاب به خوبی یاد کنند اگر چه برای خالی کردن زیر پای همان انقلاب.

این تحولات نشانگر یک رنسانس عظیم فکری، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی در مقابل چندین دهه یکه تازی نیروهای مذهبی و قوم پرست است. رنسانسی که پرچم "آزادی و حرمت انسانی" را بر فراز جهنمی بلند کرد که تروریسم دولتی غرب و ترویسم اسلامی شرق برای بشر به ارمغان آورده بودند.

ناسیونالیسم ترک میخواهد بساط قوم پرستی و نژاد پرستی را در زمینی پهن کند که با این رنسانس و با انقلابات معاصر بشدت شکاف برداشته است. فقط کافی است صف کمونیسم و انسانهای برابری خواه تعرض متقابل کنند تا این جریان بی ربط به دنیای معاصر و فضای انسانی غالب بر اکثریت عظیم، در میان این شکاف ها گم و گور شود.

**انترناسیونال:** جدال های سیاسی و ایدئولوژیکی در منطقه که در اطلاعیه از آن اسم برده شده است، چه مضمون و چه ویژگی هایی دارند؟

**محسن ابراهیمی:** پایه ای ترین جدال سیاسی ایدئولوژیکی در آذربایجان همان است که در سراسر ایران جریان دارد: جدال اکثریت وسیع مردم با حکومت اسلامی و قوانین شرعش. بنیاد طبقاتی این جدال، کشمکش میان طبقه کارگر از یکطرف و طبقه سرمایه دار و حکومتش از طرف دیگر است. کشمکشی که پیشروی طبقه کارگر در آن منوط به در هم شکستن سازمان سیاسی طبقه حاکم یعنی جمهوری اسلامی است. به این معنا روشن است که همه فاکتورهای سیاسی و ایدئولوژیک که به نحوی در سرنوشت این جدال دخیل هستند برای مبارزه مردم آذربایجان هم اهمیت دارند.

برای مثال، همچون سایر نقاط ایران، در مبارزه طبقه کارگر و اکثریت مردم آذربایجان علیه حکومت اسلامی، افشا و مقابله با انواع آلترناتیوهای اصلاح طلبانه که در فکر تعدیل حکومت هستند، افشا و مبارزه با اپوزیسیون ملی اسلامی و راست پرو غرب که دغدغه شان این است که سر مبارزه انقلابی مردم را آنچنان کج کنند که ترکیب طبقاتی جامعه دست نخورده باقی بماند، حیاتی است.

اما در آذربایجان به طور مشخص، ایدئولوژی ناسیونالیستی و مشخصا ناسیونالیسم قوم پرستانه ترک میخواهد نقش محوری در مقابله با انقلاب و آرمان برابری و آزادی بازی کند. این جریان خوب میداند که هر چقدر ایده های آزادی خواهانه و برابری طلبانه در جامعه رشد کند، هر چقد سعادت و رفاه همه انسانها به ارزش حاکم جامعه تبدیل شود، هر چقدر بیشتر بزیر کشیدن حکومت سرمایه در ایران و رها شدن از هر گونه تبعیض از جمله تبعیض و ستم ملی به هدف پایه ای مردم تبدیل شود، همانقدر زیر پای جریانات ناسیونالیستی هم بیشتر خالی خواهد شد.

از نقطه نظر ایدئولوژیک و سیاسی، ناسیونالیسم ترک ۔ با تمام تنوعاتش ۔ دستور سیاسی اش این است که نقش یک ایدئولوژی و سیاست آلترناتیو برای حل بحران حکومتی در آذربایجان به نفع بورژوازی آذربایجان را ایفا کند. اسلام به عنوان ایدئولوژی حکومت ترکهای جدی برداشته است و به سرعت رو به افول است و اینها میخواهند ناسیونالیسم را به مثابه ایدئولوژی حکومتی بعدی در آذربایجان جا بیاندازند که این بار بورژوازی آذربایجان به وسیله آن از گرده طبقه کارگر آذربایجان بهره کشی کند. این البته در درجه اول تحرکی در مقابل رادیکالیسم طبقه کارگر و نیروهای آزادیخواه و برابری طلب است و جوابش را هم باید همین نیروهای رادیکال بدهند.

کمیته آذربایجان حزب، که افشا کردن و عقب راندن این جریان ارتجاعی را به مثابه یکی از اولویتهای خود در دستور گذاشته است، عملا تلاش خواهد کرد به مثابه ابزار سازمانی وصدای گویای همین نیروهای رادیکال عمل کند.

**انترناسیونال:** شما چه پیام و چه فراخوانی از طرف کمیته آذربایجان حزب دارید؟

**محسن ابراهیمی:** پیام و فراخوان من به صف خودمان در آذربایجان، به صف انسانهای آزادیخواه وبرابری طلب این است که:

میلیونها کارگری که سی و چهار سال حاکمیت فقر و نداری زندگیتان را تباه کرده است!

انسانهای شریفی که برای رهایی از کابوس فقر و نداری و جهل و خرافه و تبعیض لحظه شماری میکنید!

زنانی که در سایه یک حکومت مذهبی انسانیتتان شب و روز لگد مال میشود!

جوانانی که میخواهید مثل انسان زندگی کنید و در هوای آزاد، هوایی خالی از جانور متعفنی به نام شریعت و حکومتش نفس بکشید!

فعالین کارگری آزادیخواه، فعالینی که رفاه و زندگی مثل انسان را حق خود و حق همه انسانها میدانید!

فعالین چپ، سکولار و آزادیخواهی که رفاه و آزادی و برابری همه انسانها محور تصویر شما از یک جامعه انسانی است!

اگر صدایمان را یکی کنیم، اگر صفمان را متحد کنیم، اگر خودمان را سازمان بدهیم، صدای ما بسیار بلندتر، تعرض ما بسیار قدرتمندتر خواهد بود. فقط در مقابل تعرض چنین نیروی متحدی است که جمهوری اسلامی مثل خانه مقوایی در هم خواهد ریخت. فقط در مقابل چنین قدرتی است که نیروهای مرتجعی مثل جریانات ملی اسلامی و نیروهای راست طرفدار نظام نابرابر طبقاتی نخواهند توانست از میان ویرانه های جمهوری اسلامی سرنگون شده به عنوان آلترناتیو سیاسی قدرت بگیرند. فقط در مقابل چنین قدرتی است که ناسیونالیسم ترک نخواهد توانست حتی فکر راه انداختن بساط ارتجاع دیگری به جای جمهوری اسلامی را از مخیله اش عبور دهد.

دشمن بلافاصله ما حکومت اسلامی است. هدف بلافاصله ما به زیر کشیدن این حکومت است. هدف اصلی ما برقرار کردن جامعه ای است که در آن رفاه حق است، آزادی حق است، برابری حق است، محرومیت از هرکدام از این حقوق به بهانه مذهب، به بهانه نژاد، به بهانه رنگ، به بهانه جنسیت، به بهانه ملیت و قومیت جرم است.

ما نمیخواهیم و نباید اجازه بدهیم هیچ نیروی مرتجعی در مقابل اتحاد طبقاتی ما کارگران آذربایجان با هم طبقه ای هامان در سراسر ایران کوچکترین خدشه ای وارد کند.

ما نمیخواهیم و نباید اجازه بدهیم هیچ نیروی مرتجعی در صف متحد ما زنان و جوانان در آذربایجان با زنان و جوانان در سراسر ایران کوچکترین لطمه ای وارد کند.

ما نمیخواهیم و نباید بگذاریم روی خرابه های جمهوری اسلامی که هویت انسانی ما را به نام هویت اسلامی لگدمال کرده است، هویت نژادی و قومی به ما الصاق کنند و این بار هم هویت انسانی ما را به نام هویت قومی لگد مال کنند.

در آذربایجان نیروهایی که به خودشان و به همنوعانشان در همه ایران به عنوان انسانهایی با حق برابر نگاه میکنند بسیار زیادند. کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری صدای گویا و ابزار سازمانیابی این نیروی عظیم است. این کمیته تشکیل شده است تا صف این نیرو را در مقابل جمهموری اسلامی، در مقابل آلترناتیوهای بورژوایی ملی ۔ اسلامی و راست و در مقابل ناسیونالیسم عقب مانده و ارتجاعی ترک متحدتر و متشکل تر و قدرتمندتر کند.

با پیوستن به حزب خود، صف خود را متحدتر، متشکلتر وقدرتمندتر کنید. ما شایسته دنیای بهتری هستیم. ما میتوانیم این دنیای بهتر را بسازیم. \*